یادداشت

دیپلماسی بدون اقتصاد!

وحید عظیم‌نیا
دبیر گروه اقتصادی

گاهی برای ارزیابی یک تصمیم سیاسی یا اجرایی، نیازی به دانستن نام‌ها نیست، کافی است نتایج را کنار هم بچینیم تا به وضوح ببینیم مسئله کجاست.

انتصاب اخیر در پکن، دقیقاً یکی از همان تصمیم‌هایی است که فارغ از نام فرد، موضوعیت دارد؛ موضوعی به‌غایت جدی، زیرا پای منافع اقتصادی کشورمان در میان است.

وقتی کشوری چون چین، با ۶۱هزار میلیارد دلار تجارت خارجی در یک سال، تنها ۰/۰۲درصد این عدد را به ایران اختصاص داده، نمی‌توان پایتخت سیاسی‌اش را با چشم‌پوشی از الزامات اقتصادی، پاداشی برای بازنشستگان قدرت دانست.

دیپلماسی امروز، دیگر شبیه گذشته نیست. روزگاری، مأموریت یک سفیر بیش از هر چیز حول محور تماس‌های سیاسی، مذاکرات دیپلماتیک و تنظیم پروتکل‌های رسمی می‌چرخید اما در دنیای امروز، دیپلماسی بدون تجارت، صدایی بی‌اثر است.

سفیر کشوری چون ایران در پکن، نه تنها باید در جریان ظرایف پروتکل‌های سیاسی باشد، بلکه باید اقتصاددان، مذاکره‌کننده حرفه‌ای و مسلط بر فرهنگ و زبان چینی نیز باشد.

او باید بتواند نه‌فقط به اتاق‌های وزارت خارجه پکن، بلکه به تالارهای اتاق بازرگانی، نمایشگاه‌های بین‌المللی و هیئت‌های اقتصادی منطقه‌ای نیز دسترسی داشته باشد.

چین برای ایران شریک معمولی نیست، یک کشور ۱/۴میلیاردی با بزرگ‌ترین ذخایر ارزی جهان، به عبارتی اولین قدرت اقتصادی دنیا و اولین واردکننده نفت خام، باید در اولویت سیاست خارجی اقتصادی ما باشد اما آمارها نشان می‌دهند این «اولویت» روی کاغذ مانده است.

مبادلات ایران و چین در سال ۲۰۲۴ به ۱۳میلیاردو ۳۰۰میلیون دلار رسیده است؛ رقمی که شاید برای اقتصاد ما چشمگیر باشد، اما برای اقتصاد چین، تنها ۰/۰۲درصد از حجم تجارت خارجی است. از آن مهم‌تر، این رقم نسبت به سال قبل ۹درصد افت کرده است و پیش از آن نیز ۶درصد کاهش را تجربه کرده بود.

آیا این سقوط مداوم پیام ندارد؟ آیا نباید دولت، وزارت امور خارجه و نهادهای ناظر، نسبت به این روند هشدار دهند و مهم‌تر از همه، آیا انتصاب یک سفیر غیرمتخصص در حوزه اقتصاد، می‌تواند کمکی به بهبود این مسیر کند یا تنها تکرار همان دور باطل خواهد بود؟

سفارتخانه‌ها در عصر ما، خط مقدم جنگ اقتصادی هستند. اگر سفیری در کشوری چون چین، نتواند تولیدکنندگان را به بازارهای پکن وصل کند، اگر نتواند سرمایه‌گذاران را به پروژه‌های ایرانی ترغیب کند، اگر نتواند واردات بی‌رویه کالاهای کم‌کیفیت را سامان دهد و استانداردسازی تبادلات را پیگیری کند، در عمل جز یک تابلو، هیچ نقشی ایفا نکرده است و این دقیقاً همان نگرانی است: نکند انتصاب‌های اخیر، همچون برخی نمونه‌های گذشته، صرفاً با ملاحظات سیاسی، بده‌بستان‌های پشت‌پرده یا پاداش‌های تشریفاتی صورت گرفته باشد.

سفارتخانه نه پاداش است، نه حیاط خلوت سیاسیون؛ جایگاهی ملی است، جایگاه منافع مردم. در شرایطی که اقتصاد ایران زیر بار تحریم، رکود و ناترازی‌های مالی در حال تقلاست، آیا می‌توان چشم به فرصت‌هایی چون چین دوخت و در عین حال بی‌تفاوت از کنار چینش نیروهای دیپلماتیک گذشت؟

اقتصاد چین، بر پایه برنامه‌ریزی دقیق و اجرای منضبط بنا شده است. دولت چین، با هزاران نهاد تخصصی، در حال گسترش نفوذ اقتصادی خود در جهان است، از آفریقا تا امریکای لاتین، از آسیای مرکزی تا غرب‌آسیا.

وقتی یک کشور با چنین راهبردی حرکت می‌کند، پاسخ ما نباید واکنش احساسی یا دیپلماتیک صرف باشد. باید با ادبیات خودشان وارد میدان شویم. باید سفیری بفرستیم که در اولین ماه مأموریت، طرح همکاری صنعتی، نفتی یا لجستیکی تعریف کند، نه کسی که در نشست‌های رسمی تنها به قرائت بیانیه‌ها بسنده کند.

فعالان بخش خصوصی سال‌هاست از کندی روند تسهیل صادرات، بی‌خبری سفارتخانه‌ها از ظرفیت‌های تجاری و دیوان‌سالاری سنگین گلایه دارند.

وقتی تاجر ایرانی برای عقد قرارداد در چین، هیچ پشتیبانی حقوقی و مالی از سفارت نمی‌بیند، طبیعی است که جای او را دلالان، واسطه‌ها و غیررسمی‌ها پر کنند.

در نبود دیپلماسی اقتصادی کارآمد، فضا برای سوداگری باز می‌شود و سهم رسمی کشور از تجارت کاهش می‌یابد، درست مثل همین آماری که در گمرک چین ثبت شده است.

در نگاه دیگر، انتصاب چهره‌ای سیاسی به‌جای یک چهره اقتصادی، پیامی نادرست به طرف مقابل مخابره می‌کند. چینی‌ها دقیق، سختگیر و هدفمند مذاکره می‌کنند. آنها نمی‌خواهند وقت‌شان را با مأموران تشریفاتی تلف کنند. آنها سفیری می‌خواهند که به زبان آنها، با ادبیات اقتصادی سخن بگوید، فردی که بتواند برنامه بیاورد، قرارداد پیشنهاد دهد و با وزارتخانه‌های کلیدی آنها تعامل مؤثر داشته باشد.

ما در سال‌های اخیر، بارها از «روابط راهبردی» با چین گفته‌ایم. سند ۲۵ساله ایران و چین به عنوان یکی از اسناد بلندمدت همکاری، قرار بود نقشه راه این روابط باشد اما آیا فقط امضای سند کافی است؟ این سند باید پیاده، اجرایی و آثارش در تراز تجاری و سرمایه‌گذاری دیده شود. بدون سفیری که تخصص و انگیزه اجرای این برنامه را داشته باشد، هیچ سندی از کاغذ فراتر نخواهد رفت.

نمی‌شود شعار «اقتصادمحور» سر داد، اما مهره‌ها را «سیاست‌محور» چید. نمی‌شود از رشد صادرات به شرق گفت، اما سفارتخانه‌ها را به دست چهره‌هایی سپرد که آشنایی‌شان با اقتصاد، در حد نشست‌های عمومی و شعارهای مناسبتی است.

اگر قرار است چین، شریک راهبردی ما باشد، باید دیپلماسی ما هم راهبردی باشد، با ابزارهای دقیق، افراد متخصص و نگاهی فراتر از مناسبات کوتاه‌مدت سیاسی.

اما در کنار انتقاد از انتصاب‌ها، نمی‌توان نقش معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه را در این وضعیت نادیده گرفت.

معاونتی که قرار بود پل ارتباطی وزارت خارجه با اقتصاد کشور باشد، عملاً به نهاد تزئینی بدل شده و نه تنها نتوانسته است جریان پایدار تعاملات اقتصادی با کشورهای هدف را طراحی و پیاده‌سازی کند، بلکه حتی در تنظیم اولویت‌ها برای انتخاب سفرا نیز ناکام مانده است.

چگونه ممکن است سهم ایران از تجارت چین به صورت پیوسته کاهش یابد و هیچ نقشه عملیاتی برای تغییر این روند از سوی معاونت مربوط ارائه نشود؟ مگر نه اینکه دیپلماسی اقتصادی باید بر پایه داده، تحلیل و هماهنگی با بخش خصوصی عمل کند؟ اما در عمل، نه جلسات منظمی با فعالان اقتصادی برگزار می‌شود، نه خروجی مشخصی از مأموریت‌های خارجی به چشم می‌خورد و نه حتی در تعیین مأموران اقتصادی در سفارتخانه‌ها، نظر بخش‌های تخصصی دخیل است.

تا زمانی که معاونت دیپلماسی اقتصادی، صرفاً به برگزاری نشست‌ها و صدور چند بیانیه و نگاه به برخی کشورهای خاص اکتفا کند، نمی‌توان از شبکه نمایندگی‌های خارجی انتظار داشت بازوی اقتصادی کشور باشند. وقت بازتعریف مأموریت‌ها و پاسخگویی فرارسیده است.

گزارش یک

بهناز قاسمی

دومینوی افزایش قیمت‌ها

سیاست‌های به ظاهر حمایتی وزارت جهاد کشاورزی هم صدای تولیدکنندگان را درآورد و هم مصرف‌کنندگان را

این روزها وارد هر فروشگاه زنجیره‌ای می‌شویم، یخچال‌های گوشت قرمز را خالی و یخچال‌های شیر و لبنیات را مملو از کالا می‌بینیم. صاحبان فروشگاه‌ها از کاهش تقاضا برای خرید شیر و لبنیات به دلیل گرانی قیمت‌ها در دو هفته اخیر خبر می‌دهند و تأکید می‌کنند که توقف توزیع گوشت قرمز تنظیم بازاری و خالی‌شدن یخچال‌های گوشت قرمز، مراجعه مشتریان به فروشگاه‌ها را کاهش داده است. این اتفاقات مرهون سیاست‌های حمایت از تولید وزارت جهاد کشاورزی است؛ افزایش قیمت شیر خام از ۱۸ به ۲۳هزار تومان و توقف تخصیص ارز برای واردات گوشت قرمز که در اردیبهشت ماه روی داده است. هر دو تصمیم در راستای حمایت از تولید (دامداران و دامپروران) بود، اما از یک سو تقاضای خرید شیر و لبنیات کاهش یافته و صدای مردم و تولیدکنندگان فرآورده‌های لبنی را درآورده و از سوی دیگر با خالی شدن فروشگاه‌ها از گوشت تنظیم بازاری سفره مردم را کوچک و کوچک‌تر کرده است.

رضا دهشیری | جوان

حمایت از سفره‌های مردم (حقوق مصرف‌کنندگان) و منافع تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و کالاهای ضروری مردم مانند شمشیر دولبه‌ای است که غفلت از هر کدام، ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری به مردم و تولیدکنندگان وارد کند.

وزارت جهاد کشاورزی در ایامی که قیمت هیچ کالا و حتی نهاده‌ای اعم از داخلی و وارداتی گران نشده بود، در راستای حمایت از تولیدکنندگان شیر (دامداران) قیمت شیرخام را از ۱۸ به ۲۳هزار تومان رساند و این اقدام را برای تأمین هزینه‌های تولید انجام داد، در حالی که به اذعان خود دامداران نه قیمت علوفه و نهاده دامی گران شده بود و نه افزایش دستمزد تأثیر چندانی بر قیمت تمام شده داشت.

با یک حساب سر انگشتی، افزایش دستمزد کارگران حدود ۳درصد بر قیمت تمام‌شده تأثیر داشت و در حد متعارف شیر خام باید به ۲۰هزار تومان افزایش می‌یافت، اما وزارت جهاد قیمت شیر را ۲۷درصد گران کرد. همین اقدام در کوتاه‌ترین زمان ممکن بر قیمت شیر و فرآورده‌های لبنی تأثیر گذاشت؛ فرآورده‌هایی که با کاهش تقاضا و مشتری فاسد و به کارخانجات مرجوع می‌شود.

همزمان با این تصمیم وزارت جهاد کشاورزی، قیمت دلار نیز ارزان شد و صادرات کره و خامه که در ماه‌های گذشته رونق داشت، دیگر برای تولیدکنندگان شیر و کارخانجات مقرون به صرفه نبود. با این تصمیم هم بخشی از زنجیره تولید شیر و لبنیات آسیب دید و هم اینکه مردم به دلیل کاهش قدرت خریدشان، شیر و لبنیات را از سبد معیشتی خانواده‌شان حذف کردند.

تولیدکنندگان نگران حذف لبنیات از سفره مردم

به گفته محمد فربد، سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی ایران این افزایش قیمت تأثیر مستقیمی بر کل زنجیره تولید دارد و به افزایش بهای تمام‌شده ماست، پنیر، دوغ و سایر محصولات لبنی منجر خواهد شد.

او هشدار داده است در شرایطی که درآمد مردم متناسب با تورم رشد نکرده، حذف لبنیات از سفره خانوارها دور از انتظار نیست.

وی در گفت‌وگویی با رادیو با اشاره به تبعات افزایش قیمت شیر خام اظهار کرد: متأسفانه مصرف‌کننده‌ها متناسب با تورم، رشد درآمد ندارند که موجب می‌شود سرانه مصرف نیز کاهش یابد. افزایش قیمت فرآورده‌های لبنی متفاوت خواهد بود و بستگی به میزان استفاده از شیر در آن محصول دارد، به طور مثال دوغ فرآورده‌ای است که حدود ۵۰درصد آن شیر مصرف می‌شود، بنابراین طبیعتاً کمتر تحت تأثیر افزایش قیمت قرار می‌گیرد، اما پنیری که برای هر کیلو تولید آن حدود پنج کیلو شیر مصرف می‌شود، به شدت تحت‌تأثیر افزایش قیمت شیر خام خواهد بود.

فربد با اشاره به راه‌حل اصلی این وضعیت گفت: مشکل ما درآمد سرانه است. مردم این کشور، مصرف‌کننده نهایی هستند و اگر درآمدشان متناسب با تورم رشد نکند، توان خرید خود را از دست می‌دهند. حاکمیت باید به فکر افزایش سطح درآمد ملی باشد تا مردم بتوانند حداقل نیازهای تغذیه‌ای‌شان را تأمین کنند.

در غیر این صورت، حذف تدریجی لبنیات از سفره مردم، خطری جدی برای سلامت جامعه خواهد بود.

وی به مرجوع شدن لبنیات به کارخانجات به دلیل کاهش تقاضا اشاره کرد و گفت: فروشگاه‌ها پر از شیر و لبنیات است اما مردم نمی‌خرند و تقاضا کم شده است. چه کسی جوابگوی آسیب سفره مردم و تولیدکنندگان است؟

علاوه بر شیر و لبنیات حذف ارز ترجیحی برای واردات گوشت قرمز و توقف واردات آن ضربه دیگری به سفره مردم زد. این تصمیم از سوی سازمان برنامه‌وبودجه اتخاذ شد و از سوی وزیر جهاد کشاورزی نیز مورد حمایت قرار گرفت.

نوری‌قزلجه چهارشنبه گذشته در پاسخ به سؤالات خبرنگاران گفت: واردات گوشت قرمز فقط ۷درصد بوده و قرار است تشکل‌ها ما را در تأمین گوشت یاری کنند. با توجه به اظهارات آقای وزیر، همین واردات ۷درصد نوعی آرامش و آسودگی را برای مصرف‌کنندگان ایجاد کرده بود و هرگاه نیاز به خرید داشتند، می‌توانستند با مراجعه به فروشگاه‌های زنجیره‌ای گوشت تنظیم بازاری خریداری کنند، اما با اتخاذ این سیاست، تمامی فروشگاه‌های زنجیره‌ای خالی از گوشت شده است و اگر مشتری به بهانه خرید گوشت وارد فروشگاه می‌شد، ممکن بود دو کالای دیگر هم خریداری کند، اما با توقف توزیع گوشت وارداتی، مشتری برای سایر کالاها نیز کم شده است.

اکنون این سؤال مطرح است که تشکل‌هایی که وعده تأمین گوشت بازار را داده بودند، در یک هفته گذشته کجا رفته‌اند که به دلیل کاهش تقاضا حتی گوشت گرم داخلی هم کیلویی ۱۰۰ تا ۱۵۰هزارتومان گران شده است.

به گفته مشتریان برخی مواقع هیچ گوشت تنظیم بازاری در فروشگاه‌ها وجود ندارد و در برخی میادین میوه و تره‌بار هم که توزیع بر عهده فروشنده است، تنها به تعداد محدودی، گوشت را به نرخ تنظیم بازار ارائه می‌دهند یا می‌گویند تمام شده و نداریم یا به نرخ آزاد می‌فروشند و این در حالی است که گوشت موجود است، اما از فروش آن امتناع می‌کنند.

بر اساس اظهارات برخی فروشندگان، میزان سهمیه گوشت تنظیم بازار کاهش یافته است. یکی از مسئولان فروشگاه‌های زنجیره‌ای در همین رابطه گفت: «گوشت تنظیم بازار هنوز هم به فروشگاه‌ها می‌رسد، اما میزان آن به مراتب کمتر شده است. بعضی روزها اصلاً نمی‌رسد و بعضی روزها در حد چند کارتن دریافت می‌کنیم، البته به ما اعلام شده است از خرداد ماه دیگر گوشت‌های تنظیم بازاری توزیع نخواهد شد. این وضعیت، دسترسی به این کالای اساسی را برای بسیاری از خانوارها دشوار کرده و به حذف تدریجی گوشت قرمز از سبد غذایی این اقشار منجر شده است.»

وزارت جهاد کشاورزی با اتخاذ سیاست‌های واحد و کارآمد باید نقش تنظیم‌گری خود را در بخش تولید و مصرف به درستی ایفا کند، نه آنکه به بهانه حمایت از تولید داخلی، به سفره مردم آسیب بزند و حقوق مصرف‌کنندگان را تضییع کند، البته در هفته گذشته به طور همزمان هم قیمت مصوب گوشت مرغ را از ۸۵هزار تومان به ۱۰۵هزار تومان افزایش داد و هم اینکه نرخ جدیدی برای تخم‌مرغ اعلام کرد. پیش‌بینی می‌شود اگر این روند ادامه یابد، سبد معیشت مردم خالی‌تر شود و حتی تخصیص کالابرگ نیز جوابگو نخواهد بود.

گزارش ۲

سعیده زمانی

گزارش «جوان» از تداوم اظهارنظرها درباره لایحه حذف ۴صفر از پول ملی که قرار است امسال اجرایی شود

بازسازی ظاهری پول

حذف چهار صفر از پول ملی اگرچه ظاهری ساده و قابل فهم دارد، اما در سال‌های گذشته یکی از پرحاشیه‌ترین موضوعات اقتصادی بوده است. حالا با اعلام رئیس کل بانک مرکزی این طرح مجدداً مورد توجه قرار گرفته است. مقامات بانک مرکزی تحلیل‌شان در دفاع از این لایحه که حالا چشم‌انتظار بررسی در صحن مجلس است، ساده‌سازی محاسبات بوده، اما کارشناسان معتقدند نظام پولی و مالی کشور اصلاحاتی اساسی‌تر از حذف چهار صفر لازم دارد که از نان شب واجب‌تر است.

هفته گذشته در جریان سی‌ودومین همایش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی بانک مرکزی، محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی در تشریح اهداف و سیاست‌های پولی سال جاری بانک مرکزی، اصلاح نظام پولی کشور را هدف‌گذاری و بر برنامه بانک مرکزی برای حذف چهار صفر از پول ملی تأکید کرد و آن را یکی از اهداف بانک مرکزی برای سال ۱۴۰۴ برشمرد.

به گفته فرزین، تصویر ریال ایران تصویر مناسب و صحیحی در اقتصاد جهانی نیست، اجرای این سیاست با توجه به تجربیات موفق جهانی و در زمان مناسب می‌تواند به بهبود تصویر ریال کمک کند که امری ضروری است و به همین منظور سیاست حذف صفر از پول ملی در دستور کار بانک مرکزی قرار دارد، البته حذف چهار صفر از پول ملی از دهه ۸۰ در دستور کار قرار گرفته است.

در طول این سال‌ها تأکید همه کارشناسان بر این مسئله بوده که حذف چهار صفر بیشتر از اینکه اصلاح واقعی باشد، بدون اصلاحات ساختاری بیشتر بازسازی ظاهری است.

حذف ۴صفر از پول ملی تأثیری در ارزش آن ندارد

جعفر قادری، نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفت: حذف صفر از پول ملی تنها می‌تواند هزینه‌های مبادلاتی را تا حدودی کاهش دهد، آن هم نه به شکل چشمگیر. این اقدام بیشتر در مبادلات روزمره مردم تأثیر دارد، چراکه استفاده از اعداد کوچک‌تر و ساده‌تر را در مبادلات تسهیل می‌کند. رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خانه ملت اظهار داشت: حفظ یا تقویت ارزش پول ملی بیش از هر چیز به نرخ تورم، توان تولید و ظرفیت‌های تولیدی کشور بستگی دارد. اگر ظرفیت تولید کشور افزایش یابد، صادرات رشد کند و واردات کاهش یابد، این موارد می‌تواند در تقویت پول ملی مؤثر باشد، اما حذف صفرها به تنهایی چنین تأثیری ندارد. وی افزود: حذف صفر از پول ملی تنها می‌تواند هزینه‌های مبادلاتی را تا حدودی کاهش دهد، آن هم نه به شکل چشمگیر. این اقدام بیشتر در مبادلات روزمره مردم تأثیر دارد، چراکه استفاده از اعداد کوچک‌تر و ساده‌تر را در مبادلات تسهیل می‌کند. نایب رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس با اشاره به اینکه بانک مرکزی در حال حاضر این فرایند را به صورت تدریجی پیش می‌برد، تصریح کرد: در کنار این اقدامات، باید به نارسایی‌هایی که در ساختار پولی کشور وجود دارد نیز توجه شود. یکی از این ایرادات، نبود اجزای واقعی برای پول ملی است. در حالی که هر واحد پولی باید دارای اجزایی باشد که نسبت مشخصی با واحد اصلی داشته باشد. اکنون نیز لازم است در کنار اصلاحات اسمی، ساختار پول ملی کشور بازنگری شود تا اجزای آن متناسب و قابل استفاده باشند.

ریال جدید و قدیم؟

البته مدیر کل سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی هفته گذشته در گفت‌وگو با ایرنا تلاش کرد از منظر اجرایی اهداف این سیاست را روشن سازد.

جعفر مهدی‌زاده با اشاره به اینکه به لحاظ مفهومی و نظری شاید این موضوع پیچیدگی خاصی نداشته باشد، ادامه داد: واقعیت این است که حذف چهار صفر و اصلاح پول ملی موضوعی است که از نظر لجستیک، پیچیدگی‌های بسیاری دارد و نیازمند هماهنگی با تمامی دستگاه‌های ذی‌ربط بوده و خواهان عزم و اراده ملی برای اجرای آن در تمامی بخش‌هاست.

مدیر کل سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی تصریح کرد: پیچیدگی این موضوع شامل تغییر حسابرسی‌ها، تغییر دفاتر، اصلاحات حقوقی از جمله قانون چک، مطالبات و دیون اشخاص از یکدیگر، تغییرات در نرم‌افزارها، حوزه قیمت‌گذاری‌ها، بورس، بازار سرمایه، حوزه تولید و دیگر موارد است که باید به صورت دقیق مشخص شود، به طور مثال در حوزه تولید باید معلوم باشد که این طرح به چه شکلی باید اجرا شود.

وی با بیان اینکه این طرح می‌تواند به دو شکل اجرایی شود، تصریح کرد: یک دوره گذار وجود دارد که در این دوره گذار یک کد جدید معرفی می‌شود یا اینکه به صورت ناگهانی این موضوع اجرایی شود که می‌تواند پیچیدگی‌های خاصی داشته باشد و بار تولیدی را بر بانک مرکزی بیشتر کند.

مهدی‌زاده با تأکید بر اینکه درباره تمامی این مسائل بررسی‌های مفصلی صورت گرفته است، اظهار داشت: این پروژه خیلی قدیمی است و اجرای آن نیز از سال‌های قبل آغاز شده است. ما در بانک مرکزی چهار صفر را از پول‌های چاپ شده جدید ملی محو کردیم، ولی اجرای این موضوع در حوزه اسکناس است و به پول ملی و تولید آن مربوط می‌شود، به هر حال مسائل دیگری در کنار این موضوع مطرح است، مانند اطلاع‌رسانی و روابط عمومی گسترده تا بتواند تمامی ابعاد آن را برای مردم به طور کامل بیان کند.

وی با اشاره به اینکه برای تغییر نام ریال از نظر اجرایی پیچیدگی‌های فراوانی وجود دارد، تصریح کرد: اگر نخواهیم نام ریال را تغییر دهیم، چون یک دوره گذار داریم، نمی‌توانیم در این دوره دو نوع ریال داشته باشیم و این باعث می‌شود دوبار تولید اسکناس کنیم.

مهدی‌زاده خاطر نشان کرد: تجربه‌ای که در ترکیه بوده، لیر جدید همزمان با لیر قدیم جریان داشته ولی بعد از آن لیر جدید تولید و جایگزین لیر قدیمی شد.

وی با بیان اینکه هر صفر که به قیمت یک کالا افزوده می‌شود، یعنی قیمت آن کالا ۱۰برابر شده است، ادامه داد: به لحاظ محاسباتی اگر تورم ۲۵درصد در بلندمدت داشته باشیم، ۴۰سال طول می‌کشد که یک صفر به قیمت آن کالا اضافه شود، حتی در شرایط تورمی امروز نیز اجرای طرح توجیه‌پذیر است و اگر این موضوع با اصلاحات اقتصادی و ساختاری اجرا شود و اگر عملاً هم تورم کنترل شود، پایداری و مانایی بیشتری در دوره طولانی‌تری خواهد داشت.

مدیر کل سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی خاطر نشان کرد: حتی اگر اصلاحات گفته شده انجام نشود، نافی این طرح نیست، ولی به لحاظ کمی، درست است که سهم اسکناس در نظام پرداخت بسیار کم شده اما هنوز افرادی هستند که ترجیح می‌دهند از فیزیک اسکناس استفاده کنند.

با وجود این توضیحات، منتقدان همچنان نسبت به اصل طرح و زمان اجرای آن تردید دارند. بسیاری معتقدند در شرایطی که اقتصاد ایران با تورم بالا، کاهش ارزش پول ملی و نبود رشد اقتصادی پایدار مواجه است، حذف صفرها نمی‌تواند تغییری در واقعیت‌های بنیادین ایجاد کند.

«ایجاد ثبات اقتصادی» شرط موفقیت حذف ۴صفر از پول ملی

پیش از این، موضوع حذف صفر و تغییر واحد پول ملی در قالب یک لایحه به مجلس ارسال شده بود. سیر این لایحه این است که اول در کمیسیون اقتصادی طرح و به تصویب رسید، سپس نمایندگان مجلس نیز در صحن علنی آن را تصویب کردند و برای تأیید به شورای نگهبان فرستادند، اما در شورای نگهبان ایرادی گرفته شد و دوباره به مجلس برای بررسی ارسال شد که با رفع اشکال آن در کمیسیون اقتصادی دوباره در نوبت طرح در صحن مجلس قرار دارد.

طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان به ایرادات موجود در لایحه حذف چهار صفر اشاره و اعلام کرده است تنها در صورتی که مجلس ابهامات لایحه حذف چهار صفر از پول ملی را برطرف کند، این لایحه را مجدداً بررسی می‌کنیم، زیرا پس از برگشت مصوبه به مجلس، دیگر اصلاحی نسبت به آن انجام نشد و عملاً مسکوت گذاشته شد، بنابراین اگر مجلس ابهامات شورا را برطرف کند، مجدداً آن را بررسی خواهیم کرد. حالا باید دید سرنوشت این لایحه در صحن چه می‌شود و آیا شورای نگهبان این بار این لایحه پرحاشیه را تأیید می‌کند یا خیر؟

کارشناسان تأکید دارند آنچه برای موفقیت این طرح حیاتی است، ایجاد ثبات اقتصادی، کاهش تورم و اصلاح ساختار بودجه است و در غیر این صورت، حذف صفر از پول ملی تنها ساختار محاسبات و حسابداری را ساده می‌کند.